

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن  
۰۲ سپتمبر ۲۰۲۳

## دانشگاه، کابوس بی پایان حاکمان



پاک کردن صورت مسأله روش همیشگی حاکمان اسلامی در برابر مخالفان و منتقدان خود بوده است. تاریخ خونین کشورمان مراحل پرشماری از این روش و منش واپسگرایان حاکم را پشت سر گذاشته است. از حملات وحشیانه نیروهای لباس شخصی سرکوب در اوان انقلاب ۵۷ تا هجوم به دانشگاهها و دفاتر نیروهای سیاسی و بالاخره تعطیلی سراسری این مراکز علمی، فرهنگی و سیاسی و بازداشت و زندان و اعدام بخش وسیعی از نیروهای طیف دانشجویی و استادان. سهمیه بندی دانشجویان و اعطای مجوز مستقیم حضور نیروهای سرکوب نوپا در دانشگاهها و تغییر ترکیب نسبی برای پیشگیری از اعتراضات همبسته دانشگاهیان نیز از اهداف اصلی رژیم برای مقابله با دانشجو و استادان بوده است.

وحشت بی پایان حکومتیان از این طیف آگاه هیچ گاه تمامی نداشته است. بخش بزرگی از زندانیان سیاسی اعدام شده در دهه شصت از جمله افرادی بودند که به این طیف تعلق داشتند. وسعت دخالت و تأثیرگذاری مبارزات دانشجویی هم در قیام سراسری سال ۱۳۹۸ و هم با آغاز جنبش زن زندگی آزادی که با قتل مهسا (ژینا) آغاز شد هراس مضاعفی در اردوی سرکوب و ستم انداخته است. امروز و با طرح تازه جایگزینی دانشجویان و استادان توسط نیروهای خودی و اعضای شبه نظامی حشالشعبی می توان بخوبی طرح دوباره انقلاب ضد فرهنگی حکومتیان را در دانشگاهها مشاهده کرد. آنها تلاش دارند تا همبستگی سراسری دانشجویان را درهم بشکنند و این اقدامات خود را با پاک کردن صورت مسأله که همانا از میان بردن ابزار و لوازم ضروری شکل گیری آن است، تحقق بخشند.

حقیقت این است که تجربه سرکوب دانشگاهها در اوان انقلاب برای آنها تجربه موفق بود. تکرار این اقدامات ضد علمی و ضد انسانی به همین دلیل در برنامه روز آنها قرار گرفته است. سؤال این است که آیا شرایط امروزه حاکم بر ایران با توجه به خودیژگی های آن برای نسل جوان و آگاه همان اوضاع و شرایط دهه شصت است؟ حاکمیت تلاش می کند تا اقدامات سیاسی و سرکوبگرانه خود را ناشی از نارسائی های علمی و قسماً پرونده های غیر سیاسی جلوه دهد حال آن که همه قرائن و شواهد دال بر تکرار انقلاب ضد علمی و فرهنگی جهت سرکوب اعتراضات دانشجویی و همبستگی سراسری آنها با انقلاب زن زندگی آزادی است.

اعتراف حسین شریعتمداری که علت اخراج ها و جابه جایی ها را اعتراضات سال گذشته دانسته است. حضور نیروهای شبه نظامی حشدالشعبی، دستگیری و بازداشت و تهدید دانشجویان و استادان دانشگاهها در ابعاد وسیع، اخراج و تعلیق گسترده دانشجویان و استادان.

دخالت وزارت کشور از بالای سر وزارت علوم در طرح بیانیه ها و چرائی های جایگزینی های وسیع در این کانونهای پایه ئی جنبش مهسا همگی نشان آغاز سرکوبها و وحشت رژیم از سالگرد انقلاب ژیناست.

آنها بخوبی می دانند که دانشگاه سنگر دفاع از حقوق دموکراتیک و مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران بوده و مغز متفکر جنبشهای اخیر بوده است و دقیقاً در همین ارتباط به این مراکز حساس و استقلال این نهادها هجوم برده است. حقیقت این است که آنها می توانند ترکیب دانشگاهها را به طور نسبی تغییر دهند و بسیاری از استادان و دانشجویان آگاه و مبارز را به طرق مختلف از این کانونها دور کنند اما راندن این طیف از این مراکز خود به خود و با وجود امکانات ارتباطی این نسل در شرایط کنونی به معنای خروج آنها از صحنه سیاسی و جنبش اعتراضی جاری نیست. قطعاً این اقدامات نظام حاکم و تصفیه های ظالمانه به تقویت اعتراضات خیابانی و تنها به جابه جایی مراکز اعتراضی منجر خواهد شد. دانشگاه و دانشجویان بی تردید خود را از درون بازسازی و نقش تاریخی خود را در دفاع از مبارزات مردم و بی حقوقان ایفا خواهند کرد.

جمهوری اسلامی به عنوان نظامی استبدادی و دانشگاه ستیز از ابتدای امر چهره کرد و از هیچ جنایتی در برابر این کانونها و عناصر آگاهش فرو نگذاشت و چنانچه مقاومت دانشجویی که هزینه های بسیاری را تقبل کرد وجود نداشت قطعاً جوانان و زنان و مردان این کانونها سرنوشتی بهتر از دانشجویان و هم سرنوشتان خود تحت حکومت طالبان نداشتند. همانطور که در خبرها آمد معاون دانشگاه فردوسی مشهد دستور تفکیک جنسیتی کلاس ها را صادر کرده است. چنانچه به اوائل انقلاب و انقلاب ضد فرهنگی نظام نگاهی بیندازیم خواهیم دید که حاکمان برای تحکیم حکومتشان حتی از تعطیلی دو سال و نیمه مراکز علمی کشور نیز کوتاه نگذاشتند و سپس با شعار تحکیم حوزه و دانشگاهها به بازگشائی آنها اقدام کردند. پیام آوران جهل و فساد و کشتار امروزه همان سیاست را بدون شعار محوری دنبال می کنند. وارد کردن عناصر خودی تحت عنوان استاد و دانشجو از همان مراکزی صورت می گیرد که تنگاتنگ ترین نسبت ها را با نهادهای حکومتی دارند. از حوزه ها، نیروهای شبه نظامی وابسته به خود، مهره های صدا و سیمای حکومت، سپاه و بسیج و سایر مزدوران و متعلقان خود در نهادهای دیگر دستچین و جایگزین استادان و دانشجویان می شوند. به اساس گزارشات بحث از جایگزینی پانزده هزار عضو هیأت علمی! همسو است. جنبش دانشجویی اما می تواند با علم به اهداف سرکوبگران اشکال مبارزات و تداوم مقاومت و مبارزه با استبداد و وحوش حاکم را در تناسب با شرایط کنونی پیش روی خود قرار دهد.

بهروز سورن ۳۱.۰۸.۲۰۲۳